

چکیده

اسلام، قاعده اصلی و پایه‌ای را بنابر «صلح» گذاشته، در قرآن و سنت نیز «جنگ» به جزء در شرایط خاص و استثنایی تجویز نشده است. تأمل در این دو رویکرد روشن می‌کند که رمز توفیق پیامبر(ص) در تبلیغ دین، صبر و پایداری، دعوت مسالمت‌آمیز و احترام به آزادی عقیده و کرامت انسانی بوده است. پیامبر(ص) هیچ‌وقت در ابتدا دستور حمله نظامی به قبیله یا گروهی را صادر نفرمود و همه غزوات و سریه‌های صدر اسلام دفاعی بوده است.

نظر به اهمیت موضوع و این نگاه که تاکنون کسی به ارزیابی دو رویکرد متفاوت پیامبر(ص) در جنگ و صلح نپرداخته، و با توجه به قرب زمانی جنگ احزاب و صلح حدیبیه، موضوع رساله را به این دو رویداد اختصاص دادم و در پنج فصل به آن پرداختم: ۱. کلیات، ۲. تاریخچه و وقایع جنگ احزاب، ۳. تاریخچه و وقایع صلح حدیبیه، ۴. بررسی و ارزیابی رویکرد پیامبر(ص) در این دو واقعه، ۵. نتیجه.

پیامبر(ص) در جنگ خندق نشان داد که می‌توان از شیوه‌های متفاوت، بدون اینکه خونی ریخته شود، دشمن را از صحنه نبرد بیرون کرد. حفر خندق، بکاربردن خدعه و نیرنگ، پی بردن به نیازهای معیشتی قبیله‌ای (مانند غطفان) و بستن قرارداد با آنها مشروط به ترک جبهه جنگ، شیوه‌هایی بود که پیامبر(ص) در پراکندن سپاه احزاب استفاده کرد.

اما از سوی دیگر، بعد از گذشت مدتی از آن جنگ، شاهد آن هستیم که پیامبر(ص) با همان مشرکان و دشمنانی که چندی پیش رودرروی آنان قرار گرفته بود، پای میز مصالحه می‌نشیند و صلحی را می‌پذیرد که بایستی در راستای همان جنگ احزاب و در ادامه همان مسیر اهداف بررسی شود. بر همین مبنا می‌بایست به این صلح به عنوان گام مهم پیامبر(ص) در جهت پیش‌برد و تثبیت آرمان‌های دینی خود نگاه کرد که نه با تهدید و اتکای به شمشیر، بلکه با نرمش و تدبیر و فراهم نمودن فرصت، به آن نگریست. در واقع پیامبر(ص) در حدیبیه، تهدیدها را به فرصت‌ها مبدل نمود. از این‌رو این تفاوت رویکرد، از نظر تاریخی، جای بررسی و پرسش دارد که چرا پیامبر(ص) در

جنگ احزاب از «شیوه‌های دفاعی» بهره جست و در حدیبیه، «صلح» را به کار برد و حتی در ظاهر امر به دشمن امتیاز هم داد.

کلمات کلیدی

جنگ احزاب، خندق، صلح حدیبیه، یهودیان، مشرکان، مسلمین.

مقدمه

در شرایطی که جنگ یکی از پدیده‌های رایج از دوران بسیار دور در روابط میان جوامع بشری بوده است و به جزء دوره‌های کوتاه صلح نسبی، تاریخ از جنگ‌های خونین به قصد غارت و چپاول و سلطه‌جویی به‌ویژه در بین کشورهای غربی حکایت دارد، برخی از «مستشرقین مسیحی» این اتهام را به دین مبین اسلام نسبت می‌دهند که اسلام با زور سر نیزه و جنگ و خشونت گسترش یافته است. و برخی دیگر شخص رسول الله را هدف قرار داده و این تهمت ناروا را وارد کرده‌اند که آن حضرت به منظور افزایش قدرت اقتصادی حکومت خود، دستور حمله به کاروان‌های مشرکان مکه را صادر می‌کرد. اما واقعیت این است که در هیچ یک از نبردهای صدر اسلام، مسلمانان آغازگر جنگ نبودند. حتی در جنگ احزاب، که مسلمانان حالت تدافعی داشتند، پیامبر(ص) از آنها خواسته بودند که شروع‌کننده جنگ نباشند. حتی لحظه‌ای که حضرت علی(ع) عمرو بن عبدود را در مقابل خود دید، او را دعوت به پذیرش اسلام نمود. در اسلام قاعده اصلی و پایه‌ای صلح است و در قرآن و سنت، جنگ به جز در شرایط خاص و استثنایی تجویز نشده است. با توجه به مطالب فوق، این رساله درصدد است دو رویکرد متفاوت پیامبر(ص) یعنی جنگ احزاب و صلح حدیبیه را در سیره نبوی بررسی کند. تأمل در این دو رویکرد، حکایت از آن دارد که رمز توفیق آن حضرت در تبلیغ دین، صبر و پایداری، دعوت مسالمت‌آمیز و احترام به آزادی عقیده و کرامت انسانی بوده است. پیامبر(ص) هیچ‌وقت در ابتدا دستور حمله نظامی به قبیله یا گروهی را صادر نفرمودند و همه غزوات و سریه‌های صدر اسلام دفاعی بوده است.

جنگ خندق نشان داد که پیامبر(ص) در برابر سپاه ده هزار نفری دشمن از اندیشه صحیح خود، و با توجه به الطاف الهی زمینه‌های پیروزی و عقب‌نشینی احزاب را فراهم نمود. همچنین در ستیز با دشمنان اسلام و پافشاری بر عقاید حق خویش، ذره‌ای کوتاه نیامد و بر این عقیده بود که مسلمانان باید بدون کوچکترین سستی، در مقابل کفار و مشرکین به هر میزان که باشد، بایستند؛ و از آرمان‌های اصولی خود، عقب‌نشینی نکنند.

پیامبر(ص) در این جنگ نشان داد که می‌توان از شیوه‌های متفاوت، بدون اینکه خونی ریخته شود، دشمن را از صحنه نبرد متفرق سازد. حفر خندق، بکار بردن خدعه و نیرنگ، پی‌بردن به نیازهای معیشتی قبیله‌ای (مانند قبیله غطفان) و بستن قرارداد با آنها (مشروط به ترک از جبهه جنگ) همه این موارد شیوه‌هایی بود که پیامبر(ص) در پراکندن سپاه احزاب استفاده نمود.

اما از سوی دیگر، بعد از گذشت مدتی از آن جنگ، شاهد آن هستیم که پیامبر(ص) با همان مشرکان و دشمنانی که چندی پیش رودروی آنان قرار گرفته بود، پای میز مصالحه می‌نشیند و صلحی را می‌پذیرد که به ظاهر با خطوط فکری و دیدگاه‌های پیامبر(ص) در تعارض است و حتی گروهی از مسلمین و اصحاب وی از آن خشنود نبودند و بنا را در مخالفت گذاشتند. یقیناً، صلح حدیبیه، نه یک عقب‌نشینی بلکه یک استراتژی و رویکردی بود که در راستای همان جنگ احزاب و در ادامه همان مسیر بایستی بررسی شود. بر همین مبنا بایستی به این صلح به عنوان گام مهم پیامبر(ص) در جهت پیش‌برد و تثبیت آرمان‌های دینی خود نگاه کرد. گامی که نه با تهدید و متکی به شمشیر، بلکه با نرمش و تدبیر و فراهم نمودن فرصت، باید به آن نگریست. در واقع پیامبر(ص) در حدیبیه، تهدیدها را به فرصت‌ها مبدل نمود. از این‌رو این تفاوت رویکرد، از نظر تاریخی، جای بررسی و پرسش دارد که چرا پیامبر(ص) در جنگ احزاب از «شیوه‌های دفاعی» بهره جست و در حدیبیه تدبیر «صلح» را به کار برد؟

صلح حدیبیه اوج درایت، عقلانیت، واقع‌گرایی و زمان‌شناسی پیامبر(ص) به شمار می‌آید. شوکت و قدرت و انسجام مسلمانان در رودروی ارتش احزاب به قدری بود که آنها مطمئن بودند دیگر قریش به جانب آنان نخواهند آمد و در چنین شرایطی، فضا برای یک سال بعد چنان مهیا شد که پیامبر(ص) برای گسترش اسلام به صورت مسالمت‌آمیز عمل نماید و شرایط قریش را بپذیرد و در نتیجه به صلحی تن دهد که به تنهایی نتایج معادل تمام غزوات او را به دنبال داشت و نهایتاً به فتح بدون خون‌ریزی مکه منتهی شد.

در واقع، صلح حدیبیه پایان کار قریش بود که زمینه‌های آن را یکسال قبل پیامبر(ص) در مقابل احزاب فراهم آورده بود. ایشان لشکر اسلام را مهیا ساخت و به آن شوکت و قدرت داد و بر آن باور بود که دیگر قریش و مکیان به آنها حمله‌ای نخواهند کرد.

در صفحات تاریخ اسلام می‌بینیم که با این دو رویکرد متفاوت پیامبر(ص)، قدرت و شوکت مسلمانان تأمین شد؛ و زمینه مساعدی برای گسترش اسلام فراهم گردید. و همین عامل در ایمان آوردن برخی از سرشناسان مکه از قبیل خالدبن ولید، عمروبن عاص و عثمان بن طلحه مؤثر بود.

فصل اول

کلیات

۱-۱. بیان مسئله تحقیق

۲-۱. اهمیت موضوع تحقیق و انگیزه انتخاب

۳-۱. هدف‌های تحقیق

۴-۱. سؤالات تحقیق

۵-۱. چارچوب نظری تحقیق

۶-۱. پیشینه تحقیق

۷-۱. روش تجزیه و تحلیل اطلاعات

۸-۱. روش تحقیق

۹-۱. محدودیت‌ها و مشکلات

۱۰-۱. نقد و بررسی منابع

۱-۱. بیان مسئله تحقیق

جنگ احزاب در شرایطی بر مسلمانان تحمیل گردید که جامعه نوپای مدینه از لحاظ اقتصادی رونق خوبی نداشت. بازرگانی و کشاورزی که در حقیقت پایه و اساس اقتصاد آن جامعه محسوب می‌گردید، دچار بحران شده بود. نیازمندی‌های معیشتی و کمبود مواد غذایی به وضوح نمایان بود. پیمان‌شکنی یهودیان بنی‌نضیر - که نقشه قتل پیامبر(ص) را داشتند - نیز مزید علت شده بود.

از جنبه‌های ساز و برگ‌های جنگی، مسلمین نیز در مذیقه بودند، شمار نیروها و تحرکات عوامل داخلی، همواره دغدغه‌های مسلمین را نیز دو چندان کرده بود. علاوه بر این‌ها، ساختار تشکیلات گروهی در مسلمانان به آن حدی نبود که یکپارچگی آن به وضوح نمایان باشد. آنان خود گروهی کوچک از قبایل مختلف بودند و این تاثیر قبیله‌ای بودن هنوز در آن جامعه کم‌رنگ و سست بود. از این رو تعصبات قبیله‌ای نیز کمترین تاثیر را در تحکیم صفوف و تقویت بنیه دفاعی در جبهه داخلی مسلمانان را داشت. تنها عاملی که سبب افزایش پیوند مسلمانان و روحیه حماسی و جنگاوری مسلمانان می‌شد، دین و ایمان بود.

مدینه در چنین شرایطی به سر می‌برد که احزاب جنگ را برای جامعه تحمیل کردند.

پایان جنگ احزاب، آن‌چنان که برای مسلمانان امیدبخش بود، برای مشرکین مکه مصیبت‌های فراوانی به بار آورد. مسلم و قطعی شد که بازرگانان قریش، بازار مدینه را برای همیشه از دست داده‌اند. به علاوه، قدرت مدینه، راه بازرگانی مکه به سوریه را به خطر انداخته است؛ و بازرگانان قریش دیگر نمی‌توانند آسوده به کار خود مشغول باشند. موقعیت فرماندهی ابوسفیان در نظر قریش متزلزل شد. حشمت قریش در دیده

دیگر قبیله‌ها درهم شکست. پدید آمدن حوادث غیرمنتظره که سپاهی بدان بزرگی را از دروازه‌های شهر ناکام برگرداند، بعضی عرب‌های بدوی را نسبت به اسلام متمایل ساخت و یقین کردند نیروی خارق‌العاده‌ای مسلمانان را یاری می‌کند و پس از این جنگ بود که جریان کار به نفع مسلمانان تغییر کرد.

جنگ احزاب، آخرین تلاش مشرکان برای ایجاد یک جبهه قوی و همگانی برضد اسلام بود. پس از آن قریش رو به تحلیل رفته و حملات مکرر رسول خدا(ص) به قبایل اطراف، به‌ویژه آنان که هوس مخالف و تصمیم به غارت مدینه را داشتند، همه را بر سر جایشان نشانده. رسول خدا(ص) پس از رفتن مشرکان فرمودند:

«الان نغزوهم و لایغزونا»: از این پس ما به جنگ آنان خواهیم رفت و آنان به جنگ ما نخواهند آمد.»

اما از سوی دیگر، بعد از گذشت مدتی از آن جنگ، شاهد آن هستیم که پیامبر(ص) با همان مشرکان و دشمنانی که چندی پیش رودروی آنان قرار گرفته بود، پای میز مصالحه می‌نشیند و صلحی را می‌پذیرد که به ظاهر با خطوط فکری و دیدگاه‌های پیامبر(ص) در تعارض است و حتی گروهی از مسلمین و اصحاب وی از آن خشنود نبودند و بنا را در مخالفت گذاشتند. یقیناً، صلح حدیبیه، نه یک عقب‌نشینی بلکه یک استراتژی و رویکردی بود که در راستای همان جنگ احزاب و در ادامه همان مسیر بایستی بررسی شود. بر همین مبنا بایستی به این صلح به عنوان گام مهم پیامبر(ص) در جهت پیش‌برد و تثبیت آرمان‌های دینی خود نگاه کرد. گامی که نه با تهدید و متکی به شمشیر، بلکه با نرمش و تدبیر و فراهم نمودن فرصت، باید به آن نگریست. در واقع پیامبر(ص) در حدیبیه، تهدیدها را به فرصت‌ها مبدل نمود. از این‌رو این تفاوت رویکرد، از نظر تاریخی، جای بررسی و پرسش دارد که چرا پیامبر(ص) در جنگ احزاب از «شیوه‌های دفاعی» بهره جست و در حدیبیه تدبیر «صلح» را به کار برد؟

صلح حدیبیه اوج درایت، عقلانیت، واقع‌گرایی و زمان‌شناسی پیامبر(ص) به شمار می‌آید. شوکت و قدرت و انسجام مسلمانان در رودروی ارتش احزاب به قدری بود که آنها مطمئن بودند دیگر قریش به جانب آنان نخواهند آمد و در چنین شرایطی، فضا برای یک سال بعد چنان مهیا شد که پیامبر(ص) برای گسترش اسلام به صورت مسالمت‌آمیز عمل نماید و شرایط قریش را بپذیرد و در نتیجه به صلحی تن دهد که به تنهایی نتایج معادل تمام غزوات او را به دنبال داشت و نهایتاً به فتح بدون خونریزی مکه منتهی شد.

در واقع، صلح حدیبیه پایان کار قریش بود که زمینه‌های آن را یکسال قبل پیامبر(ص) در مقابل احزاب فراهم آورده بود. ایشان لشکر اسلام را مهیا ساخت و به آن شوکت و قدرت داد و بر آن باور بود که دیگر قریش و مکیان به آنها حمله‌ای نخواهند کرد.

۱-۲. اهمیت موضوع تحقیق و انگیزه انتخاب آن

در جنگ احزاب و صلح حدیبیه حاشیه‌هایی وجود دارد که به نظر می‌رسد، کمتر به آنها اشاره شده است. همچنین دیده نشده و یا خوانده نشده که کسی اقدام به مقایسه تحلیلی و توصیفی دو رویکرد متفاوت پیامبر(ص) در این دو واقعه را کرده باشد. این عوامل سبب شد که در این رساله موضوع را براساس خلاءهایی که در این دو رویداد وجود داشته و کمتر به آنها پرداخته شده، انتخاب شود.

۱-۳. هدف‌های تحقیق

- هدف‌های عمده‌ایی در این رساله مطرح است که اهم آن به شرح زیر می‌باشد:
۱. شناخت رویکرد پیامبر(ص) در احزاب و حدیبیه به منظور نشان دادن الگوی عملی در حوزه جنگ و صلح بر پایه مقتضیات زمان و مکان و امکانات جبهه اسلامی و نیروهای مخالف یا دشمن؛
 ۲. دستیابی به تاکتیک‌های پیامبر(ص) در برخورد با دشمن و قدرت‌های مخالف؛
 ۳. دستیابی به شیوه‌های حفظ اقتدار حکومت دینی در زمان صلح و جنگ.

۱-۴. سؤالات تحقیق

در این رساله پرداختن به سؤالات زیر، بسیاری از ابعاد و پیامدهای رویکرد پیامبر(ص)، شفاف و روشن خواهد شد:

۱. ابعاد و پیامد رویکرد پیامبر(ص) در جنگ احزاب و صلح حدیبیه چه بود؟
۲. چرا پیامبر(ص) در این دو موقعیت، رویکردهای متفاوتی را انتخاب کردند؟
۳. رویکرد پیامبر(ص) در شیوه دفاعی جنگ احزاب چه بود؟

۵-۱. چارچوب نظری تحقیق

چارچوب نظری رساله به این شرح است: پرداختن به تاریخچه جنگ احزاب، شامل: خندق راهکاری برای جنگ و دفاع، حمله نهایی، پیمان شکنی بنی قریظه و آثار جنگ و صلح حدیبیه از قبیل: خواب پیامبر(ص)، در راه حدیبیه، در حدیبیه، نمایندگان قریش، فرستادگان پیامبر(ص)، مواد و نتایج صلح حدیبیه، و در آخر به بررسی تطبیقی رویکرد پیامبر(ص) در این دو واقعه می پردازد.

۶-۱. پیشینه تحقیق

بررسی مواضع پیامبر(ص) در جنگ و صلح، در کتاب تاریخ عمومی اسلامی و نیز کتاب‌های مربوط به سیره نبوی و حتی در کتب مختلف طرح و بیان شده است. دو واقعه جنگ و صلح حدیبیه نیز در همین کتاب‌ها به اختصار و تفصیل آمده است. از جمله می توان به عمده ترین آثار این حوزه به شرح زیر اشاره کرد.

تاریخ الطبری، الکامل، تاریخ یعقوبی و... که کتب تاریخ عمومی اسلامی هستند، واقعه دو جنگ و صلح حدیبیه را به سبک گزارش تشریح نموده اند. با توجه به اختلاف نظر در معدودی از مواضع، در کلیت رویدادها ابهامی وجود ندارد.

در کتاب‌های سیره نبوی مانند سیره ابن هشام، سیره جاودانه و... دو رویداد مذکور به اختصار و تفصیل آمده است.

در بعضی از کتاب‌های تاریخی دیگر مانند پیامبر و آئین نبرد، تاریخ صدر اسلام، فروغ ابدیت، سیاست نبوی و... ضمن اینکه واقعه دو جنگ و صلح حدیبیه به اختصار و تفصیل آمده، مواضع پیامبر اکرم(ص) را به شکل تفسیری و تحلیلی بیان نموده اند.

در عین حال باید توجه داشت رویکرد پیامبر(ص) در این دو واقعه به نحو تطبیقی در هیچ اثری مستقل و حتی در مقالات یا پایان نامه‌های دانشجویی مورد توجه قرار نگرفته است؛ چنانچه در آثار

تفصیلی موضوع نیز به نحو وابسته و غیرمستقل هم به آن پرداخته‌اند. لاقلاً تا جایی که محقق تحقیق کرده است، چنین بوده است.

۱-۷. روش تحقیق

روش تحقیق رساله، براساس پژوهش تاریخی، روش تحقیقی و توصیفی است: ابتدا اسناد و مدارک در ارتباط با موضوع را بررسی کرده و براساس فهرست مطالب موضوعات مربوط به رساله را فیش‌برداری نموده و سپس براساس مقایسه مطالب، فیش‌ها، صحت و سقم موضوعات را تشخیص می‌دهیم.

۱-۸. روش تجزیه و تحلیل اطلاعات

این روش براساس مطالبی است که از منابع اصلی و اولیه و بعضی از کتاب‌های معاصر استفاده شده است. شیوه بررسی برپایه تحلیل مطالبی است که از فیش‌ها استخراج شده است. لذا استنباط مطالب بر اصول تشخیص و تحلیل است که می‌توان آن را یک نظر شخصی ادعا کرد.

۱-۹. محدودیت‌ها و مشکلات

تا آنجا که مشاهده شده است، در بررسی زندگی پیامبر اکرم(ص) آن‌طور که به غزوات پرداخته شده به صلح و زندگی مسالمت‌آمیز ایشان کمتر اشاره شده و در میان صلح‌ها اکثراً به حدیبیه پرداختند ولی آن هم در حد انتظار پژوهشگران نمی‌باشد. تمام منابع دسته اول، صرفاً ارائه گزارش می‌باشد و حتی در منابع معاصر کمتر دیده شده که کسی به تجزیه و تحلیل دو واقعه جنگ و صلح حدیبیه پردازند.

۱۰-۱. نقد و بررسی منابع

یکی از مراحل اساسی پژوهش انتخاب منابع تحقیق است. منبع اصیل و قابل اعتماد می‌تواند پژوهشگر را به حقیقت نزدیکتر کند. در پژوهش حاضر از چند منبع کهن که به لحاظ ثبت رویدادها و حواشی موضوع تحقیق بعضاً متفق‌القول بودند استفاده شده است. مشکل اساسی این منابع که در این تحقیق از آنها استفاده گردیده، نپرداختن به بعضی از حواشی موضوع تحقیق می‌باشد. ضمناً از چندین منبع تحلیلی و تفسیری که بیانگر موضوع تحقیق نیز بوده استفاده گردیده که فهرست آنها در پایان این رساله آمده است.

مغازی واقدی

مهم‌ترین کتاب تاریخ غزوات پیامبر(ص) یعنی «مغازی واقدی» از باب اینکه توانسته به حاشیه‌های نبرد احزاب یا صلح حدیبیه بپردازد یا اینکه در به ثبت رساندن تاریخ و ارقام وقایع ضریب اطمینان مخاطب را بیشتر جلب نموده جای شک و تردید نیست ولی به لحاظ ملاحظه‌کاری در ثبت بعضی از حوادث که خیلی مهم می‌باشند اشاره نشده و این در شرایطی است که بسیاری از آثار سنی و شیعه به آنها پرداخته‌اند.

مؤلف در کتاب مذکور، وقایع رودررویی حضرت علی(ع) با عمرو بن عبدود را به نگارش درآورده ولی عبارات پیامبر(ص) را در وصف علی(ع) و اینکه ضربه ایشان را بالاترین اعمال برمی‌شمارد و... کلامی به ثبت نرسانده است.

تاریخ طبری

در کتاب «تاریخ الطبری»، که موضوع آن تاریخ عمومی است، آنجا که مؤلف وقایع صلح حدیبیه را تشریح می‌کند به نقش منافقان از جمله عبدالله بن ابی اشاره‌ای نکرده است. ابن ابی کسی بوده که در ماجرای کمبود آب، وقتی معجزه پیامبر(ص) را ملاحظه می‌کند، عکس‌العمل نشان داده و نسبت به

این عمل اعتقادی نداشت و ماجرای مذکور را حالت طبیعی وضع موجود قلمداد کرد و بعداً از این عمل پشیمان شد. و اعتراف کرد که گزاف گفته است. متأسفانه از این نوع وقایع در اکثر کتب منابع اولیه، از جمله تاریخ الطبری، شواهدی به ثبت نرسیده است.

السیره النبویه

مؤلف این کتاب ابن هشام که زندگانی پیامبر(ص) را به نگارش درآورده، جزئیات وقایع احزاب و حوادث خندق را به خوبی تشریح کرده است. نکته آشکار و بارز این اثر، ثبت حوادث و حاشیه‌های جنگ احزاب و صلح حدیبیه می‌باشد که در این رساله از آنها اشاره شده است.

الطبقات الکبری

«الطبقات الکبری»، اثر محمدبن سعد، به لحاظ آگاهی‌های جامع و گسترده‌ای که در وقایع احزاب و حدیبیه ارائه داده است، مطالب آن قابل توجه است. این کتاب که موضوع آن سیره نبوی است با نگاهی به اسناد موجود، نشان می‌دهد که واقعی سهم عمده‌ای در آن داشته است. یعنی هسته اصلی کتاب از آن واقعی است. ابن سعد در وقایع احزاب و صلح حدیبیه سند نقل‌ها را نیز ذکر کرده حتی در این کتاب داخل کردن اسناد درهم نیز وجود دارد. چاپ اول طبقات الکبری در لیدن و چاپ دوم آن در بیروت انجام شده است. هم‌چنین متمم طبقات در عربستان انتشار یافته است.

تاریخ یعقوبی

کتاب مذکور که از مصادر با ارزش تاریخ اسلام است با یک نگرش جهانی و به عنوان یک تاریخ عمومی نگاشته شده است. جلد اول آن، تاریخ امت‌های پیشین و شاهان متعدد است، و جلد دوم، تاریخ عمومی دوره اسلامی تا سال ۲۵۹ هجری است.

یعقوبی در این کتاب اسناد گفته‌ها را نیاورده، اما در آغاز جلد دوم از برخی مأخذ خود یاد کرده است. در میان آن مشهورترین مورخان قرن دوم و سوم وجود دارد. وی در این کتاب، نقل‌هایی از امام صادق(ع) در ذکر تواریخ دارد. وی با نشان دادن بی‌طرفی خود، آگاهی‌های جدیدی عرضه کرده است. (جعفریان، ۱۳۷۳، ۳۹-۳۵)

الکامل فی التاریخ

عزالدین ابوالحسن علی بن محمد جزری معروف به ابن اثیر (۶۳۰ هـ) مؤلف کتاب الکامل فی التاریخ است. این اثر در حقیقت یک تاریخ عمومی مفصل و مستقل است. ابن‌اثیر در واقع کار طبری را ادامه داده و حوادث مهم تاریخ اسلام از جمله موضوعات این رساله را تا سال ۶۲۸ هـ شرح داده است. نویسنده ضمن تلخیص و تهذیب کتاب طبری، آن را تکمیل کرده است. کتاب فقط نقل وقایع و حوادث را مطرح نمی‌کند بلکه اطلاعات مفیدی در باب احوال اجتماعی و عقاید و رسوم و آثار ادبی را ارائه می‌دهد. (سپهری، ۱۳۸۵، ۱۷)

این کتاب به حواشی و جزئیات احزاب و صلح حدیبیه پرداخته و دو واقعه را با نگاه اجمالی و گزارشی مطرح کرده است.

پیامبر و آیین نبرد

کتاب «پیامبر و آیین نبرد»، اثر ژنرال مصطفی طلاس، با توجه به شرح موقعیت جغرافیایی جزیره‌العرب، - که آن را زادگاه اصلی عرب می‌داند - موقعیت انسانی، شرح اعراب، موقعیت تاریخی- سیاسی و اجتماعی، تمدن عرب نیز می‌پردازد. قسمت دوم این کتاب که به زندگانی پیامبر اکرم(ص) پرداخته، اطلاعات و خبرهای تحلیلی خوبی به مخاطبان می‌دهد.

سیره جاودانه

این کتاب اثر جعفر مرتضی عاملی، ترجمه و تلخیص کتاب الصحیح من سیره النبی الاعظم (ص) است. این کتاب در دو جلد تدوین شده و اخبار سیره النبی را به طور آشکار و واضح بیان نموده است. آوردن منابع و مأخوذ، از ویژگی‌های مثبت دیگر این اثر است که پشتوانه محکمی است برای پژوهشگرانی که می‌خواهند وارد جزئیات زندگی پیامبر اکرم (ص) شوند.

تاریخ صدر اسلام

کتاب «تاریخ صدر اسلام» اثر غلامحسین زرگری نژاد، مجموعه‌ی تحلیلی بسیار مفیدی برای مخاطبان است. این کتاب ضمن شرح اوضاع شبه جزیره عربستان، در چهار بخش به تحلیل زندگی پیامبر (ص) پرداخته است.

بررسی تاریخی صلح‌های پیامبر

این کتاب اثر حامد منتظری مقدم، اطلاعات جامعی از صلح حدیبیه و صلح‌های قبل و بعد از حدیبیه را مطرح می‌کند. این اثر از مرکز انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (رحمه‌الله) در قم می‌باشد.

خندق، حماسه جاودانه حق

مؤلف کتاب میثاق امیرفجر است. کتاب ضمن پرداختن به جنگ احزاب، نگاه تحلیلی نیز به وقایع و حاشیه‌های این نبرد دارد. در اثر مذکور هر چند از آوردن منابع به طور مستقل استفاده نشده ولی اشاراتی هم از مورخین قدیمی از جمله واقدی شده است.

این نویسنده کتاب دیگری به نام «اسطورهٔ حُسن» دارد که در آن به حماسه ایزدی علی(ع) در خندق می‌پردازد. حاشیه‌های جنگ خندق، پایان بنی‌قریظه، صلح حدیبیه دیگر موضوعات این کتاب است که مؤلف با نگاه تحلیل‌گرانه به آنها پرداخته است.

فروغ ابدیت

کتاب «فروغ ابدیت» اثر جعفر سبحانی، در دو جلد تدوین شده است. مؤلف در جلد دوم این کتاب توانسته است با نثری شیوا و ساده، به تجزیه و تحلیل کاملی از زندگانی پیامبر اکرم(ص) بپردازد.

فصل دوم

جنگ احزاب

- ۱-۲. مدینه در آستانه جنگ احزاب
- ۲-۲. احزاب در اندیشه حمله به مدینه
- ۳-۲. خندق راهکاری برای جنگ و دفاع
 - ۱-۳-۲. اعمال دفاعی
 - ۲-۳-۲. رویدادهای خندق
 - ۳-۳-۲. نتایج حفر خندق
- ۴-۲. حمله نهایی
 - ۱-۴-۲. نبرد علی(ع) و عمرو بن عبدود
 - ۲-۴-۲. شکاف بین نیروها
 - ۵-۲. پاسخ پیامبر(ص) به نامه ابوسفیان
 - ۶-۲. دسته‌بندی آیات احزاب
 - ۷-۲. عوامل بازدارنده در عبور نکردن احزاب از خندق
 - ۸-۲. پیمان شکنی بنی قریظه
 - ۹-۲. آثار جنگ احزاب

۱-۲. مدینه در آستانه جنگ احزاب

جنگ احزاب در شرایطی بر مسلمانان تحمیل گردید که جامعه نوپای مدینه از لحاظ اقتصادی رونق خوبی نداشت. بازرگانی و کشاورزی که در حقیقت پایه و اساس اقتصاد آن جامعه محسوب می‌گردید، دچار بحران شده بود. نیازمندی‌های معیشتی و کمبود مواد غذایی به وضوح نمایان بود. پیمان‌شکنی یهودیان بنی‌نضیر - که نقشه قتل پیامبر(ص) را داشتند - نیز مزید علت شده بود.

از جنبه‌های ساز و برگ‌های جنگی، مسلمین نیز در مذیقه بودند، شمار نیروها و تحرکات عوامل داخلی، همواره دغدغه‌های مسلمین را نیز دو چندان کرده بود. علاوه بر این‌ها، ساختار تشکیلات گروهی در مسلمانان به آن حدی نبود که یکپارچگی آن به وضوح نمایان باشد. آنان خود گروهی کوچک از قبایل مختلف بودند و این تاثیر قبیله‌ای بودن هنوز در آن جامعه کم‌رنگ و سست بود. از این‌رو تعصبات قبیله‌ای نیز کمترین تاثیر را در تحکیم صفوف و تقویت بنیه دفاعی در جبهه داخلی مسلمانان را داشت. تنها عاملی که سبب افزایش پیوند مسلمانان و روحیه حماسی و جنگاوری مسلمانان می‌شد، دین و ایمان بود. (عاملی، ۱۳۸۸، ۵۱۵-۵۱۳)

مدینه در چنین شرایطی به سر می‌برد که احزاب جنگ را برای جامعه تحمیل کردند.

۲-۲. احزاب در اندیشه حمله به مدینه

مورخان روایت کردند وقتی یهودیان بنی‌نصیر از طرف پیامبر(ص) تبعید شدند، در خیبر و شام سکونت کردند و دست به توطئه زدند؛ از این جهت، چند تن از بزرگان آنها به مکه رفتند تا قریش را به جنگ با مسلمانان تحریض و ترغیب کنند. شمارشان دوازده نفر و مطابق برخی روایات به حدود بیست نفر نیز می‌رسید. چنان چه در برخی از روایات گزارش شده است:

سَلَامُ ابْنِ أَبِي الْحَقِيقِ، حَيِّيُّ بْنُ أَخْطَبِ، كَنَانَةُ بْنُ رَبِيعِ بْنِ أَبِي الْحَقِيقِ وَ سَلَامُ بْنُ مَشْكَمٍ مِنْ بَنِي نَضِيرٍ؛ وَ هُوَذَةُ بْنُ قَيْسٍ وَ أَبُو عَمَارٍ مِنْ قَبِيلَةِ وَائِلٍ، مِنْ جَمَلَةِ سِرَانَ أَسْلَى قَوْمِ يَهُودٍ بَدَدُوا أَنْ يَكُونَ لَهُمْ حَرْبٌ مِنْ قِبَلِ قُرَيْشٍ؛ وَ هُوَذَا بْنُ مَكِّيٍّ مِنْ بَنِي مَدْيَنَةَ هَجَمُوا وَأُورِنُوا، يَهُودُ أُنْهَى رَأْيَ يَارِي خَوَاهِنْدُ كَرْدُوا. كَفْتُ وَ كَوَّانِجَامُ شَدَّ وَ دَرِ أُنْ يَهُودِيَّانِ ضَمَّنَ حِمَايَةَ مِنْ أَيْمَنِ مُشْرِكِينَ وَ رَدَّ أَيْمَانَ مُحَمَّدٍ، تَرَدِيدَهُ قُرَيْشٍ رَأْيَ مِنْ بَرَدِاشْتَنَدُ وَ مَطْرَحُ كَرْدَنَدُ: مَا بَا شَمَا خَوَاهِيمُ بُوَدُ تَا مُحَمَّدٍ رَأْيَ مِنْ پَا دَرِ أَوْرِيمُ. سِرَانَ يَهُودٍ پَسِ مِنْ كَفْتُ وَ كَوَّانِجَامُ بَا سِرَانَ قُرَيْشٍ، بَهْ نَزْدُ قَبِيلَةِ غَطَفَانَ وَ بَنِي سَلِيمٍ رَفْتَنَدُ وَأُنْهَى رَأْيَ مِنْ نِيْزَبَهْ جَنَگِ بَا مُحَمَّدٍ، تَشْوِيقُ نَمُوْدَنَدُ. وَ حَتَّى مَحْصُولُ خَرْمَايَ يَكُ سَالِ خَيْبَرَ رَأْيَ مِنْ شَرْوُطِ بَرِ أَيْنِ كَهْ أُنْهَى رَأْيَ مِنْ جَنَگِ بَا مُحَمَّدٍ هَمْرَاهِي كُنُنَدُ، بَرَأْيَ قَبِيلَةِ غَطَفَانَ قَرَارُ دَادَنَدُ.

یهودیان پس از اطمینان از همکاری قریش و دیگر قبایل، وضع موجود را رضایت‌بخش اعلام نمودند و مجموع قبایل را به هر ترتیبی با خود همراه کردند و روزی که از مکه بیرون آمدند قبایل زیر را به همراه داشتند:

ابوسفیان به نمایندگی قریش، غطفان به ریاست عینه بن حصن که بنی فزاره نیز با آنها بود؛ «حارث بن عرف» با «بنی مره»، «مسعود بن رخیله» (در طبقات کبری و مغازی، مسعود بن رخیله یاد شده است) با پیروان خود از قبیل اشجع، سرپرستی بنی سلیم برعهده سفیان بن عبد شمس بود، فرماندهی بنی اسد را «طلحه بن خویلد» به عهده داشت. (ابن سعد، ۱۳۷۴، ۶۴)

قریش و پیروان ایشان که مجموعاً چهار هزار نفر بودند از مکه بیرون آمدند و پرچم خود را در «دارالندوه» برافراشتند. تعداد اسب‌ها و شترهای آنان مجموعاً یک هزار و هشتصد رأس بودند که به همراه داشتند. بنی سلیم هم که هفتصد نفر بودند، در منطقه «مرالظهران» به قریش ملحق شدند. بنی فزازه هزار نفر بودند و قبیله اشجع هم که آمارشان به چهارصد نفر می‌رسید به همراه قوم حارث بن عوف که نفرات آن‌ها هم به چهارصد نفر می‌رسید، همگی به قریش پیوستند. گویند مجموع نفرات این قبایل ده هزار نفر بودند که به سه لشکر تقسیم می‌شدند و فرماندهی آنان با ابوسفیان بود. واقدی در مغازی آورده است: وقتی سپاه احزاب به مدینه رسیدند، قریش در ناحیه «رومه»^(۱) و غطفانی‌ها در منطقه «زغابه» فرود آمدند.

۲-۳. خندق راهکاری برای جنگ و دفاع

وقتی احزاب از مکه به قصد مدینه حرکت کردند، گروهی از سواران خزاعه خود را به پیامبر(ص) رسانده و وقایع را تشریح نمودند. پیامبر(ص) پس از اطلاع از این موضوع شروع به اقدامات دفاعی فوری و لازم نمود و مسلمین را به اجتماع فرا خواند. طبق سنت، پیامبر(ص) در چنین شرایطی به مشورت با مسلمین می‌پرداخت. از آنجایی که برای پیامبر(ص) محرز شده بود که هدف دشمنان گرفتن مدینه است؛ و تعداد لشگر آن‌ها نیز زیاد است؛ بایستی اقدامات دفاعی منطقی را اعمال نمایند. پس از گفتگوها و اظهارنظرها پیرامون نقشه‌ای که باید از آن پیروی شود، بر سر دو موضوع متمرکز شدند که کدامیک از این دو راه را انتخاب نمایند:

مسلمین برای روبه رو شدن با احزاب از مدینه بیرون روند، یا این که در مدینه باشند و از شهر دفاع کنند. با توجه به تجربه تلخی که از جنگ اُحد داشتند و برای مسلمین نیز آشکار بود؛ این دفعه ماندن در مدینه را صلاح دانستند. طبق آماری که مورخین ذکر نموده‌اند: تعداد جنگجویان مسلمین از سه هزار تن متجاوز نبود. (واقدی، ۱۳۶۲، ۳۳۹)